روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۱۴۶۹
۱۸ تیر ماه ۱۴۰۳/ با ما همراه شوید
www.serajonline.com - @serajname

ثبت سفارش خودروهایی وارداتی جانبازان آغاز شد

ثبت سفارش خودروهای وارداتی جانبازانی که می خواهند به صورت شخصی خودرو خود را وارد کنند از ۱۷ تیر آغاز شد.
ثبت سفارش خودروهای وارداتی جانبازانی که می خواهند به صورت شخصی خودرو خود را وارد کنند از ۱۷ تیر در سایت https://www.ntsw.ir آغاز شد.
ثبت سفارش در حالی آغاز شده است که برخی جانبازان اعلام کردند نتوانستند درخواست خود را تاکنون ثبت کنند. یکی از این عزیزان در گفت و گو با خبرگزاری تسنیم اعلام کرد: «چند روز قبل که برای ویرایش درخواستمان به سایت مراجعه کردیم پس از ویرایش دیگر امکان ثبت برایمان فراهم نشد و تا کنون نیز نتوانستیم سفارشی انجام دهیم. انگار به طور کل از درخواستمان انصراف داده ایم.»

قدیریان: آینده را بر اساس نگاه حسینی تبیین کنیم

قدیریان می‌گوید:تولید آثار هنری بر اساس تفکر هنرمند ایجاد می‌شود. وقتی تفکر جامعه هنری را به سمت معرفت عاشورایی سوق نمی‌دهید، به طور طبیعی آثاری تولید نمی‌شود و یا اگر مقداری اثر در این زمینه می‌بینید، صرفاً به فرم پرداخته می‌شود.
عبدالحمید قدیریان در گفت‌وگویی به مناسبت فرا رسیدن ماه عزای امام حسین علیه السلام گفت: یاد امام حسین علیه‌السلام ما را از دنیا جدا می‌کند. چرا؟ زیرا یک معرفتی پشت آن است. یاد امام در قالب مناسک خوب است، اما صرفاً به مناسک پرداختن، ما را از مبانی فهمی و حتی استفاده‌های اجتماعی غافل می‌کند. شما نگاه کنید چقدر از موضوع عاشورا در دفاع مقدس بهره بردیم؟ پس از سال‌ها که می‌گذرد، همچنان استفاده می‌کنیم. دوستانی که در آن سال‌ها در دفاع مقدس بودند، شهود کردند؛ یعنی در صحنه نبرد وارد شدند و خلق اثر کردند که به قول امام هنرمند محسوب می‌شوند؛ یعنی یک مفهوم را به فرم تبدیل کردند.
وی با تأکید بر آنکه بیشتر از شور و شعف داشتن نسبت به این مناسک، باید به معرفت بپردازیم، گفت: چرا که در راستای مسیر ظهور نیاز به معرفت داریم. باید با کاروان حسینی همراه شویم؛ یعنی چه کاروانی شویم؟ یعنی مدام عزاداری کنیم؟ خیر؛ از ظرایف این کار و رفتارهای معرفتی آن استفاده کنیم. بنابراین به گونه‌ای حرکت کنیم که بر اساس مباحث معرفتی بتوانیم هم شور حقیقی به جامعه به ویژه جوانان منتقل کنیم و هم آینده را بر اساس نگاه حسینی تبیین و تصویر کنیم. قدیریان با اشاره به اینکه تولید آثار هنری بر اساس تفکر هنرمند ایجاد می‌شود، افزود: وقتی تفکر جامعه هنری را به سمت نگاه‌های عاشورایی و معرفت عاشورایی سوق نمی‌دهید، به طور طبیعی آثاری تولید نمی‌شود و یا اگر مقداری اثر در این زمینه می‌بینید، صرفاً به فرم پرداخته می‌شود و این امر حداقل برای جمهوری اسلامی و زمانی که به سمت ظهور می‌رویم، جفاست. امیدواریم مسیری را برویم که علما وسط بیایند و رسانه‌ها مطالبه‌گرایانه از آنها بخواهیم وسط میدان بیایند و مباحث معرفتی عاشورا را باز کنند.

پاسداشت زبان فارسی

ضرورت حفظ و پاسداری از زبان پارسی

زبان شیرین پارسی که همان زبان مادری ما می‌باشد، مجموعه‌ای ارزشمند شامل پارسی باستان، کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌های قدیمی با خطوط میخی و پارسی میانه یا پارسی دری با سنگ‌نوشته‌های خطوط پهلوی و از سویی دیگر الهام‌گرفته از فرهنگ بعد از اسلام، همه‌جا بهترین سرمایه ملی و هویّت ما ایرانیان است. این امانت گران‌بها، میراثی است که سینه‌به‌سینه و نسل‌به‌نسل به دست ما رسیده است، اهمیت آن زمانی بیشتر می‌شود که حماسه‌سرای ایران باستان، فردوسی می‌گوید عجم را با آن بها داده و قدر و قیمت بخشیده است.

بسی رنج بردم در این سال سی عجم زنده کردم بدین پارسی

..... زبان پارسی آیینه هویت ما ایرانیان در ایران و جهان است و باید همه ما در حفظ و مراقبت و سالم‌نگاه‌داشتن آن به‌هیچ‌وجه کوتاهی نکنیم. زبان پرظرفیت، شیرین و رسای پارسی توانسته است، بخش عظیمی از سرزمین‌های جهان را تحت نفوذ معنوی خود قرار دهد و برای ملت‌ها، فرهنگ و دین و معرفت به ارمغان آورد.
.....زبان پارسی، بر بنیاد گستردگی حوزه مفهومی‌اش در میان پارسی‌زبانان، از ارزش ویژه‌ای برخوردار است؛ برخورداری از این ارزش، زمانی دستیاب می‌شود که روند اثرگذاری و اثرپذیری این زبان را در فرایند دوسویه آن (مرحله دادوستد زبانی) مورد ژرف‌نگری قرار بدهیم .
.....با توجه به این ویژگی، یکی از مواردی که می‌تواند در رشد و گستردگی حوزه مفهومی زبان پارسی، مدد رساند، کاربرد روش‌های درست‌نویسی و درست‌گویی واژه‌ها در زبان است. افزون بر این، به‌کارگیری روش‌های درست‌نویسی و درست‌گویی واژه‌ها کمک می‌کند تا زبان را از آسیب‌های روزمره و لغزش‌های معنایی دور نگهداریم، و با عملی‌سازی این مهم، به پویایی آن بپردازیم.
.....درست‌نویسی واژه‌ها و رعایت قوانین دستور زبان در نوشته‌های علمی از عوامل مهم در ارزش و اعتبار این نوشته‌هاست؛ فرقی نمی‌کند که زبان فارسی یا انگلیسی یا زبانی دیگر باشد ، خواننده به‌محض این که با غلط املایی و یا نادرستی گرامری مواجه شود در مورد ارزش و اعتبار نوشته دچار شک و تردید می‌شود؛ چنین مواردی حتی در زمانی که موضوع جنبه علمی ندارد و فقط یک نامه معمولی است نیز موجب سلب اعتماد خواننده می‌شود؛ اما در مورد نوشته‌های علمی و به‌ویژه هنگامی که این نوشته‌ها توسط یک نهاد علمی منتشر می‌شود، توقع بسیار افزایش می‌یابد و شیوه نوشتن و رعایت املای صحیح واژه‌ها اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.
.....هنگامی که متن و نوشته‌ای منتشر می‌شود، چه علمی و چه یک مقاله عادی باشد، باید با املا و نگارش درست نوشته شود. خواننده یک متن علمی که تمام هوش و حواس خود را جمع کرده تا صحت علمی مقاله را درک کند، به‌محض برخورد با یک غلط املایی، نسبت به کل موضوع بی‌اعتماد می‌شود. عدم رعایت قواعد درست‌نویسی و دستور زبان نیز موجب همین حالت شک و تردید می‌شود. به همین دلیل است که صاحب‌نظران امر تحقیق توصیه می‌کنند هر نوشته‌ای قبل از انتشار به‌خوبی مرور شود و در کتاب‌هایی که از همین صاحب‌نظران منتشر شده بر اهمیت شیوه نگارش تأکید بسیار شده است. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که در نشریات علمی، یکی از نقش‌های بسیار مهم به ویراستاران اختصاص دارد. قواعد و آیین‌نامه‌های نشریات علمی فارسی‌زبان نیز بر نقش ویراستاران تأکید دارد و حضور ویراستار تخصصی و ادبی یکی از شرایط اصلی در نشریات علمی شمرده می‌شود. به غیر از املای درست واژه‌ها، شیوه نوشتن فارسی نیز طی چند دهه اخیر دچار تجدیدنظرهایی شده و معیارهایی همچون حفظ استقلال واژه‌ها و استفاده صحیح از فعل‌ها و بسیاری نکات دیگر، مورد تأیید ادیبان و صاحب‌نظران قرار گرفته و توسط نهادهایی همچون فرهنگستان زبان و ادب فارسی تصویب شده است و رعایت می‌شود.
.....دست‌اندرکاران نشریه پردازش علائم و داده‌ها علاوه‌بر اهتمام بر انتشار مقالات وزین علمی، کوشش می‌نمایند که براساس وظیفه ملّی، مطالبی که در این نشریه منتشر می‌شود، به‌دور از خطاها و نارسایی‌های املایی و نگارشی و یا در کمینه ممکن باشد؛ لذا انتظار می‌رود که نویسندگان مقالات هم، همه سعی خود را به‌کارگرفته تا در متن مقالاتشان، کاستی‌ها و نارسایی‌های خط و نگارش دیده نشود و یا کمتر دیده شود.
.....به‌منظور همراهی با نویسندگان محترم مقالات، شیوه‌نامه‌هایی تهیه شده تا این عزیزان را در دست‌یابی به این مهم یاری‌رسان باشیم. انتظار می‌رود که نویسندگان فرهیخته مقالات قبل از ارسال مقاله، علاوه‌بر مطالعه راهنمای نگارش مقاله در بخش «برای نویسندگان» مطالب آورده‌شده در «شیوه‌نامه نگارش خط فارسی» را خوانده و سپس در نگارش مقاله به‌کار بندند.

تولید نوشت‌افزار با کاغذ ایرانی؛ تولیدکنندگان چه می‌گویند؟

استفاده از کاغذ ایرانی چه مزایا و معایبی می‌تواند برای تولیدکننده نوشت‌افزار به‌ویژه فعالان حوزه دفتر تحریر، سالنامه و... داشته باشد؟
تابستان ۹۸، در بحبوحه نوسان بی‌سابقه قیمت ارز و هیاهوی بازار برای خرید دلار، اعلام شد کاغذ مصرفی تولیدکنندگان نوشت‌افزار از دایره ارز ۴۲۰۰ خارج شده است. این به معنای تأمین کاغذ به عنوان یکی از اقلام حیاتی و مورد نیاز بخشی از تولیدکنندگان این حوزه به صورت آزاد بود؛ آن هم در شرایطی که دلار هر روز قیمتش تغییر می‌کرد و قصدی برای پایین آمدن از مدار افزایشی نداشت و قیمت کاغذ در قیاس با سال ۹۷، هفت برابر رشد را نشان می‌داد. دولت در حالی این تصمیم را گرفت که طبق فهرست منتشر شده از تخصیص ارز نیمایی به واردکنندگان، بخشی از این امتیاز به واردکنندگان نوشت‌افزار لوکس تعلق گرفته بود که در بازار با قیمت میلیونی به فروش می‌روند و مصرف‌کننده خاص دارند. حالا پس از گذشت پنج سال از آن روزها بازار به ثبات قیمت رسیده و دیگر قیمت کاغذ همانند طلا یک‌روزه ره صدساله را نمی‌رود.
با این حال، فعالان صنعت نوشت‌افزار برنامه استفاده از کاغذ داخلی را برای فعالیت‌های امسال خود تعریف کرده و قصد دارند تولیدات خود را به سمت استفاده از این دست از تولیدات کارخانه‌های مازندران و پارس ببرند؛ تصمیمی که چندان ساده به نظر نمی‌رسد. استفاده از کاغذ ایرانی چه مزایا و معایبی می‌تواند برای تولیدکننده نوشت‌افزار به ویژه فعالان حوزه دفتر تحریر، سالنامه و ... داشته باشد؟ کاغذ ایرانی در سال‌های گذشته با افزایش حجم تولید توانسته وارد فازهای جدید مصرف شود که از این جمله می‌توان به کتاب‌های درسی اشاره کرد، اما آیا این نسخه برای لوازم‌التحریر به ویژه دفتر مشق که دانش‌آموزان پیوسته با آن سر و کار دارند هم جواب خواهد داد؟ حمیدرضا صفاری، صاحب برند «خاطره» و تولیدکننده دفتر مشق، در گفت‌وگو با تسنیم، ضمن اشاره به تجربه خود در استفاده از کاغذ ایرانی گفت: کاغذ ایرانی یک مشکل عمده دارد و آن، پُرز و خاک کاغذ است که زیاد است و همین سبب می‌شود که تولیدکننده مجبور به تعویض زینک باشد. اگر پس از تولید ۸۰ هزار دفتر با استفاده از کاغذ خارجی مجبور به تعویض زینک هستیم، این میزان در کاغذ داخلی به ۱۰ هزار نسخه می‌رسد. به همین دلیل استفاده از این کاغذ فعلاً برای تولیدکننده از این نظر هزینه‌بردار است.
وی با بیان اینکه مشکل دیگری که در استفاده از کاغذ داخلی برای تولیدکننده ایجاد می‌شود، نحوه پرداخت آن است، افزود: کاغذ خارجی را می‌توانیم به صورت چکی و در چند قسط پرداخت کنیم، اما کاغذ ایرانی را باید از قبل هزینه را پرداخت و سپس کالای خود را دریافت کنیم. این تولیدکننده دفتر، رنگ کاغذ را از دیگر مشکلات استفاده از آن در چرخه تولید نوشت‌افزار دانست و یادآور شد: رنگ این کاغذ به زردی می‌زند؛ رنگی است که چشم دانش‌آموزان به آن عادت ندارد و ممکن است به همین دلیل مصرف‌کننده اقبالی به آن نشان ندهد. به گفته وی؛ از سوی دیگر، بافت کاغذ خارجی برخلاف کاغذ داخلی یک‌دست است؛ به همین دلیل وقتی طرحی روی آن گذاشته می‌شود، خوب می‌نشیند و چشم‌نواز است. اما در کاغذ داخلی، این طرح ممکن است تکه‌تکه چاپ شود.

صفاری با بیان اینکه این مشکلات در جلسه‌ای با نماینده کاغذ مازندران عنوان شده است، به مزایای استفاده از کاغذ داخلی در صنعت نوشت‌افزار اشاره و اضافه کرد: از مزیت‌های این تصمیم می‌توان به اشتغال‌زایی در کشور و افزوده شدن نیروی کار به چرخه تولید اشاره کرد. با این حال، انتظار تولیدکنندگان نوشت‌افزار این است که مشکلاتی از این دست از سر راه برداشته شود.

«عاشق‌ها نمی‌میرند»؛ روایتی داستانی از حنظله غسیل الملائکه

حسین امیدی در کتاب «عاشق‌ها نمی‌میرند» به سراغ زندگی حنظله بن ابی‌عامر، از اصحاب پیامبر اکرم(ص)، رفته و نگاهی انداخته است به حوادث صدر اسلام.
رمان «عاشق‌ها نمی‌میرند» به قلم حسین امیدی با موضوع زندگی یکی از اصحاب پیامبر(ص) به نام حنظله و معروف به غسیل الملائکه توسط انتشارات کتاب جمکران منتشر شد
در معرفی این اثر آمده است: پیش از آنکه رسول خدا(ص) گام‌های نبوت را در جزیره‌العرب بردارند، کسانی در آن سرزمین انتظار بعثت او را می‌کشیدند. موحدانی از نسل ابراهیم نبی، یهودیان بنی‌اسرائیل و راهبان مسیحی که به حکم بشارت منجی در حجاز سکنی گزیده بودند. تلخ آنکه بسیاری از ایشان بدترین دشمنان رسول خدا(ص) و البته چه بسیار از آنان بازوهای رسالت شدند. در این میان داستان آنانی که فرسنگ‌ها از رسالت دور بودند یا حرفی از نبوت نمی‌دانستند و رهرو او شدند، شیرین‌تر و خواندنی‌تر است.
حسین امیدی در کتاب «عاشق‌ها نمی‌میرند» با انتخاب شخصیتی هر چند کمرنگ اما سرشناس از تاریخ صدر اسلام، قصه همراهی‌ها و دشمنی‌هایی را روایت می‌کند که پیامبر اکرم(ص) در دوران نبوتشان دیدند. قصه تاریخی کسانی که گرد رسول خدا(ص) بودند، روایتی داستانی از رفت‌وآمدهای آدم‌ها و سعادت‌ها و شقاوت‌هایشان.
حنظله غسیل‌الملائکه شخصیت اصلی این رمان تاریخی است که داستان عروج و وجه تسمیه‌اش را حتماً شنیده‌ایم. اما قصه حنظله به همین فراز همزمانی شب عروسی و شهادتش محدود نمی‌شود. داستان عشق و وصلتش پر فراز و نشیب‌تر از آنی است که می‌دانیم و روایت همراهی‌اش با رسول خدا(ص) پرپیچ‌وخم‌تر از آنی است که تصور می‌کنیم. جالب‌تر آنکه حنظله فرزند راهب مشهوری است که انتظار بعثت رسول خدا(ص) را می‌کشید و خودش در حجاز خوشنام و پرآوازه بود. اما ماجرای انتظار او برای بعثت در عمل به نحو دیگری پیش رفت. پیچیدگی نفاق و دسیسه‌های کور دشمنان پیامبر اکرم(ص) بخش مهمی از روایت «عاشق‌ها نمی‌میرند» را به خود اختصاص داده است. در این رمان که بر اساس اسناد تاریخی نگاشته شده، مروری داریم بر دشمنی‌هایی که حد نمی‌شناخت و دوستی‌هایی که شیرینی وصلت محبوب را می‌چست.
«عاشق‌ها نمی‌میرند» که از سوی انتشارات کتاب جمکران منتشر شده، در ادامه مسیر کتاب‌هایی است که با فرمی داستانی به شخصیت‌های اصیل و کمترشناخته‌شده تاریخ اسلام می‌پردازند. قبل‌تر و از این مجموعه داستان‌های «شبیه مریم» (حضرت فضه خادمه حضرت زهرا «س»)، روزگار عمار (عمار یاسر)، باغ طوطی (میثم تمار یار ایرانی امیرالمؤمنین«ع») و مأموریت در قصر (علی‌بن‌یقطین صحابی خاص امام موسی کاظم «ع») منتشر شده‌اند که هرکدام با استقبال خوبی از سوی مخاطبان همراه بوده‌اند.
رمان «عاشق‌ها نمی‌میرند» به قلم حسین امیدی در ۲۹۹ صفحه و با قیمت ۲۱۰هزارتومان توسط انتشارات کتاب جمکران روانه بازار نشر شده است. این اثر را می‌توانید از درگاه اینترنتی کتاب جمکران به آدرس .□□□ ketabejamkaran.ir و یا کتابفروشی‌های سراسر کشور تهیه کنید.
اصحاب با خوشحالی برای مقابله با دشمن آماده می‌شدند. اما دل توی دل حنظله نبود و امواج سهمگین اضطراب، دوباره بر سینه این قایق درمانده می‌کوبید. مخصوصاً وقتی فهمید پدرش تیغ دشمنی را از رو بسته و با آتش حسادت خود، ابوجهل‌وار در کوره انتقام قریش می‌دمد و برای نابودی صاحب کعبه، ابرهه‌وار بر مرکب سرکش نفس سوار شده و در دامنه کوه احد در خیمه فرماندهی، کنار ابوسفیان مشغول فتنه‌جویی است.

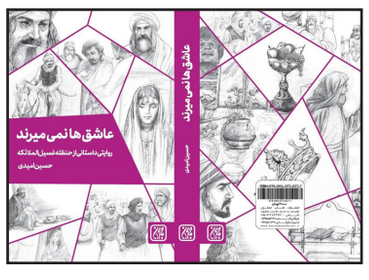

گویی ابوعامر اراده کرده بود نامش در کتاب حیات نوشته نشود و همراه سایر مشرکان در دریاچه آتش افکنده شود. حنظله در دل انتسابش به او را انکار کرد. می‌بایست از صاحب امر کسب تکلیف می‌کرد که آیا برای سرکوب این ابرهه به جمع ابابیل بپیوندد یا عروسش را به خانه ببرد؛ درحالی که عده‌ای به‌دنبال عذر و بهانه بودند تا از این امر شانه خالی کنند، او نمی‌دانست عذرش را بیان کند یا نه.

نامهٔ امام حسین علیه السلام به برادرش، محمد حنفیه

حجت الاسلام دکتر مجتبی خندان

قسمت سوم
• شیوه شناسی و تذکر دادن صحیح
فرمود: «رَفیقٌ فیمَا یَأْمُرُ رَفیقٌ فیمَا یَنْهی» گنه کار بیمار است، این جوانی که به طور مثال ارتباط او بر اساس ارتباط‌های شرعی نیست، این جوانی که حجابش را رعایت نمی‌کند، این خانمی که مویش را بیرون گذاشته، و نمونه‌های فراوانی که شما در جامعه از مظاهر عدم رعایت موازین شرعی می‌بینید این فرد یا می‌داند یا نمی‌داند، اگر نمی‌داند جاهل است، که باید به او اطلاع بدهیم، اگر می‌داند بیمار است. گاهی کسی می‌داند بیمار است و دارو مصرف نمی‌کند. در هر حال رفیق بودن و همراه بودن با او می‌تواند مشکلش را حل کند، نه سرزنش و ملامت و کوبیدن. اگر جوان نماز نمی‌خواند، و احترام شما را نگه نمی‌دارد باید توجه داشت جوان در سنی است که برخورد و تذکر مستقیم باعث ایجاد لجاجت در او می‌شود. امیرمؤمنان به فرزندش امام حسن فرمود: «الأفراطُ فی المَلامَه تَشِبّ نیرانَ اللّجاج» ؛ حسن جان! افراط در سرزنش باعث لجاجت می‌شود. سرزنش اقتضای سن او نیست. با رفتار و کردارت با رفیق شدن و همراه شدن با او و منطبق کردن خودت با او، می‌توانی او را به سمت دین بکشانی، می‌توانی او را به سوی دین دعوت کنی. لذا در امر به معروف و نهی از منکر این سه مورد باید رعایت شود: ۱- معروف شناسی؛ ۲- عمل خود ما و أسوه بودن؛ ۳- شیوه شناسی و رفاقت و تذکر دادن صحیح.
برخورد اجتماعی با گناه کار
البته گاهی برخوردهایی غیر از این هم لازم است، اگر شرایطی پیش آمد که طرف دارد تعصب و لجاجت به خرج می‌دهد و نمی‌خواهد زیر بار برود، اجتماع و جامعه می‌تواند جلوی گناه را بگیرد. روی این مطلب دقت کنید. من مثالی میزنم تا مطلب روشن شود. در جنگ تبوک، سه نفر به جنگ نیامدند، سه جوانی که هیچ عذری هم نداشتند؛ کعب بن مالک و مراره بن ربیع و هلال بن امیه، دائم می‌گفتند امروز می‌آییم، فردا می‌آییم، پیغمبر نزدیک شصت سالش بود، اصحاب آن حضرت مثل ابوذر و دیگران، همه از مدینه به طرف تبوک راه افتادند، ششصد هفتصد کیلومتر راه بود، می‌گویند از آن جنگ‌های سخت بود، بعضی‌ها در راه از گرسنگی و از سختی مردند و تلف شدند. عبدالله ذوالبجادین از آنهایی است که در مسیر تبوک مرد. با این جنگ سخت، افراد راحت طلبی بودند که در مدینه نشستند و پیغمبر را یاری نکردند و تماشاگر صحنه شدند.
پیغمبر خدا که از تبوک برگشت فرمود کسی حق ندارد با این سه نفر حرف بزند. گفت و گو و صحبت کردن با آنها را تحریم کرد. بدترین چیز هم این است که انسان از نظر افکار عمومی کوبیده شود و افکار عمومی چیزی را نپسندد. این سه نفر دیدند به هر که سلام می‌کنند، با هر که حرف می‌زنند و هرسؤالی که می‌کنند، کسی جواب نمی‌دهد، حتی زنانشان هم با آنها حرف نمی‌زدند. با این که می‌دانید همسر در اختیار شوهرش است و باید به حرف او گوش کند ولی «اَلنَّبِیُّ أَوْلَی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ» ؛ پیغمبر ولایتش بر مؤمنین از خودشان هم بیشتر است. این سه نفر در یک بایکوت و تحریم اجتماعی واقع شدند، گفتند حالا که هیچ کس با ما حرف نمی‌زند، خودمان هم با خودمان حرف نزنیم، خودشان هم با خودشان قهر کردند. این آیه نازل شد: «وَعَلَی الثَّلاَثَةِ الَّذِینَ خُلِّفُواْ حَتَّی إِذَا ضَاقَتْ عَلَیْهِمُ الأَرْضُ» ؛ قرآن می‌گوید زمین با این عظمت و بزرگی‌اش برای این‌ها تنگ شد. دیده‌اید وقتی یک آدم غریب وارد یک شهر بزرگ می‌شود احساس می‌کند محیط برایش تنگ است، شهر بزرگ است اما او غریب است. اما وقتی به یک روستای کوچک که او را می‌شناسد وارد می‌شود می‌گوید دلم باز شد! اینجا محلهٔ خودم است، همه با من آشنا هستند. اگر کسی در جامعه‌ایی احساس غربت کرد در آن جامعه محیط برای او تنگ می‌شود. این اعتصاب و این تحریم ادامه پیدا کرد تا این که آنها پشیمان شدند و توبه کردند. آیه نازل شد و توبهٔ آنها قبول شد و خدا از گناه آنها درگذشت.
این داستان برای ما درس دارد، اگر کاسب، رانندهٔ تاکسی، رانندهٔ اتوبوس، معلم، استاد، این خانم بدحجاب را بیشتر از خانم باحجاب تحویل نگیرد؛ او را زودتر سوار نکند، زودتر به دست او جنس ندهد، زودتر کارش را راه نیندازد، او تشویق نمی‌شود؛ وقتی می‌بینند هر چه بدحجاب‌تر بیرون می‌آید بیشتر تحویلش می‌گیرند، کارش در اداره زودتر راه می‌افتد. زودتر تاکسی جلوی پایش ترمز می‌کند. تشویق می‌شود، گنه کار که تشویق شد گناه سریان پیدا می‌کند. وقتی گنه کار تشویق شد گناه تعمیم پیدا می‌کند. اگر بچه‌ای در خانه احساس کرد وقتی نماز را نمی‌خواند پدرش خیلی او را تحویل نمی‌گیرد، اگر دو سه روز به تعبیر خودمان کم محلی ببینند متوجه می‌شود. این یکی از شیوه‌های امر به معروف و نهی از منکر است. به هر حال افکار عمومی می‌توانند روی ریشه کن شدن منکر در جامعه تأثیر گذار باشند.
خلاصه مطالب پیرامون اصلاحات
خلاصهٔ نوشته ی حاضر؛ این شد: یکی از اهداف امام حسین در نامه‌ای که به برادرش، محمد حنفیه نوشته اصلاحات است؛ «أنّما خَرَجَت لطَلَبِ الاصلاح» اصلاحات هم شعار قشنگی است، اصلاً حرف زیبایی است، حرفِ حقی است که در متن قرآن هم هست؛ «إنْ أُریدُ إلاّ الإصْلاحَ». فقط اشکالش این است که- البته این اشکال اصلاحات نیست، اشکال آن کسانی است که خودشان را منطبق نمی‌کنند. – قرآن می‌گوید: «وَإِذَا قِیلَ لَهُمْ لاَ تُفْسِدُواْ فِی الأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُون» ؛ منافق هم می‌گوید من اصلاح‌گر هستم، یزید هم می‌گفت من می‌خواهم جامعه را اصلاح کنم، حسین ابن علی با ما بیعت نکرده؛ بر حاکم زمانش خروج کرده، می‌خواهیم او را حذف کنیم تا جامعه حفظ شود. چون این اشعار و این سخن یک شمشیر دو لبه است، لبهٔ حق دارد و لبهٔ باطل، مؤمن باید حواسش جمع باشد و گول لبهٔ باطلش را نخورد.
همه چیز در دین تعریف شده است، اگر کسی گفت به نماز اول وقت اهمیت بدهید، حرف او در راه اصلاح است. اگر گفت حریم عفاف و حجاب را رعایت کنید، این در راه اصلاح است. اگر گفت جلوی ارتباطات نامشروع را بگیرید، این حرفش در راستای اصلاح است. اگر گفت ربا، رشوه، لقمهٔ حرام، تبعیض، فساد، ظلم، بی کاری، و خلاف در جامعه نباید باشد، این اصلاح است. خیلی روشن است اگر به یک بچه هم بگویی معنای این که می‌گویند مشق‌هایت را درست بنویس و خطایت را اصلاح کن، یعنی چه؟ می‌گوید یعنی بهتر بنویسیم و تمیزتر بنویسم. به یک مکانیک، به یک بنا و به هر کسی با هر شغلی که دارد بگویی خطایت را اصلاح کن، معنایش را می‌فهمد. یعنی خرابی را از بین ببری و به جای آن بنای نو قرار بدهی، نه این که بنای نو را خراب کنی و بر زمین بریزی. نه اینکه استوانه‌ها را تخریب کنی، این که اصلاح نمی‌شود.
تئوری امام حسین علیه السلام در طراحی انقلاب
تئوری این نظام بر اساس نظریهٔ ولایت فقیه است، اصلاً امام با این تئوری به صحنه آمد و از مردم برای نظام رأی گرفت، حالا اگر من بنیان این تئوری را سست کردم این خلاف اصلاح است. حداقل خلاف نظر بنیانگذاری هست که بر اساس همین تئوری از مردم رأی تأیید گرفته، حداقلش این است. این وصیت نامهٔ امام ارکان اصلاح است و نصایحش به مجلس، دولت، رئیس جمهور، آموزش و پرورش،وزارتخانه‌ها و به ارگان‌های مختلف روشن است، - یک منشور است که انسان مقابلش قرار می‌دهد- آنچه با آن منطبق هست می‌شود اصلاحات داخل نظام. «إنّما خَرَجْتُ لِطَلَبِ الإصلاحِ فِی أُمّه جَدّی (ص)».
روضهٔ حر بن یزید ریاحی
دو سه جمله هم عرض ارادت و مصیبت از عزیزان و اصحاب و یاران اباعبدالله داشته باشیم. نام حرّ ابن یزید ریاحی آمد، حر یک اصلاح گر بود، که اول خودش را اصلاح کرد. اصلاح گر ابتدا باید از خودش شروع کند، اگر صد عیب در خود من باشد، نمی‌توانم جلوی عیب شما را بگیرم. اصلاح گر اول باید «قوا أنفسَکُمْ» ؛ از خودش شروع کند. حر احساس کرد این صحنه صحنهٔ حق و باطل است، فهمید صحنه صحنهٔ بهشت و جهنم است، لذا با کمال شجاعت- می‌لرزید! می‌لرزید اما از چه؟ از این که با امام حسین بجنگد. این لرزش عین شجاعت است، آن کسی که در مقام گناه بدنش لرزه برمی‌دارد و صحنهٔ گناه را ترک می‌کند این شجاعت است، ترس نیست. اگر نترسید این بی باکی و بی مبالاتی است- آمد مقابل اباعبدالله سرش را پایین انداخت و گفت: «هل لی من لدنک التوبه»؟ پسر زهرا، من در این بیابان اولین کسی بودم که راه را بر تو بستم، اما پشیمان شدم آیا توبه من پذیرفته است؟ جوان‌های عزیز! داستان حر، برای شما الگوست. برادران و خواهران، داستان حر می‌گوید اسلام بن بست ندارد. داستان حر می‌گوید هر کجا هستی امکان بازگشت هست. سیر صعودی برای انسان در همه جا ممکن است. در اسلام بن بست و نهایتی که در آن یأس باشد نیست. اباعبدالله توبه‌اش را پذیرفت، لذا اجازه گرفت و به طرف میدان آمد، خودش را معرفی کرد، صدا زد:ای مردم کوفه! امیدوارم ابرهای رحمت خدا از شما باز داشته شود. من که دعوت نکردم، اما شما حسین را دعوت کردید و این گونه با او مبارزه کردید، «السّلام علیک یا رحمه الله الواسعه و یا باب نجاه الأمه. سفینه النجاه و قره عین النبی المصطفی یا مظلوم یا اباعبدالله».
مهر تو را به عالم امکان نمی‌دهم این گنج پربهاست من ارزان نمی‌دهم
ای خاک کربلا تو مهر نماز من این مهر را به ملک سلیمان نمی‌دهم
خوشا جانی که جانانش حسین است خوش آن دفتر که عنوانش حسین است
خوش به حال آن نوکری که اربابش اباعبدالله است، خوش به حال آن غلامی که آقایش حسین است. اگر ارباب حسین باشد نوکری‌اش افتخار دارد. حر به کجا رسید؟! یک وقت چشم‌هایش را باز کرد دید سرش در دامن حسین است و او دارد خون را از چشمانش پاک می‌کند، خون را از صورتش پاک می‌کند. حر تو به چه مقامی رسیدی؟! چه توفیقی پیدا کردی؟! بارک الله! حسین بالای سرت آمد، برایت مرثیه خوانده شد و در حالی که سر بر دامن حسین داشتی جان دادی. اما دل‌ها بسوزد برای آن آقایی که خودش سرش را روی خاک کربلا گذاشت و جان داد؛ «وَضَعَ خَدَّهُ عَلَی التّراب».
لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.